این متکدیان شریف و آبرومند !!

به گزارش سرویس خبری گدانیوز، عده ای از همه جا بی خبر با اجرای یک طرح دو ضربتی اقدام به قلع و قمع متکدیان این فرشتگان شریف و آبرومند روی زمین، این ماموران سلب آسایش و امنیت شهر، این مردمان فلک زده مهاجر بیگانه و خلاصه این گدایان پردرآمد و کم توقع!! نموده اند که دراین راستا جمع کثیری از متکدیان شهر بندرعباس و توابع (دو راهی ایسینی ، چهچکور، دشت امام، پشت ترمینال و ...) با حضور در پشت درهای بسته اداره فوق تخصصی شناخت مشاغل شریف تحصن کرده و با در دست داشتن پلاکارد و پوسترهایی خواستار آزادی کار و کسب و فعالیت شرافتمندانه در شهر شدند.

یکی از این متکدیان کم توقع و صبور به خبرنگار گدانیوز گفت(البته با آه و ناله) : از اداره مربوطه می خواهیم که جهت کسب و کار ما مکانهایی را مشخص کنند تا ما هم مشغول به کار شویم . چرا که اینطوری بدون ساماندهی هر روز مزاحمتی برایمان ایجاد می شود.

وی گفت: البته این روزها کار و کاسبی زیاد رونق ندارد چرا که دست زیاد شده همکاران بنگالی و پاکستانی نیز به جمع ما پیوسته و درآمد روزانه ما را به بیست هزار تومان در روز کاهش داده اند!!

از مسئولان می خواهیم همین الساعه این مشکل را ضربتی حل نمایند وگرنه ما جلوی اداره بست می نشینیم تا وزیر سازمان گداپروری و مشاغل شریف را مجبور به استفاده و استیضاح نماییم.

در همین بین عده ای از کودکان خیابانی هم با در دست داشتن پلاکاردهایی شعار «گدایی گدایی دوستت دارم» و « فرزند بیشتر، درآمد بیشتر» و « نه سرما نه گرما هیچکدام به کار ما اثر ندارد» خواستار فعالیت گسترده خود در شهر شدند .

نتیجه گیری: این متکدیان افراد بسیار کم توقع و خوبی هستند باید با دید مثبت به آنها نگریست.

سرویس گدانیوز

یک روز دانشجویی من!!!

شاید برای خیلی ها روزهای دانشجویی با روزهای غیردانشجویی فرقی نکنه؛ اما برای من و افرادی شبیه من، تفاوتهای بسیاری داره.

این روزها قبولی در دانشگاه، معنی اش برای جوان ها - دختره و پسرها- همه چیز است، رسیدن به قصر آرزوهاست.

زمانی که قبولی خودم رو در روزنامه دیدم در حالی که خوشحال خوشحال بودم ، غمگین غمگین هم بودم.

اصلاً حالم را نمی دانستم چون که لشکر غداری از مشکلات و مصائب روبرویم صف کشیده بودند و ایلی از سئوالات رنگارنگ جلوی چشمانم رژه می رفتند که چگونه هم باید درس بخوانم ، هم به دانشگاه بروم ، هم زندگی کنم ، هم پدر باشم، هم مرد خونه و هم کارمند دولت ...

دو فرزند ۳ و ۶ ساله و همسری کارمند و دانشجو بقیه اعضای خانواده منند. خودم هم نان خور دولتم؛ بعضی روزها حضور ما در خانه به چند ساعت هم نمی رسه و بیشتر اوقات را هر دو در دانشگاه می گذرانیم ، بچه ها هم مهد کودک و خانه مادربزرگ و ویلون. همسر هم یک شغل نوبت کاری داره، گاهی صبح سر کار است ، گاهی بعدازظهر تا ساعت ۹/۳۰ شب؛ حالا حسابش کنید چطوری میشه بین این همه قطب های ناهمساز ۲۴ساعته زندگی به سلامت گذر کرد؛ بچه داری، خانه داری، آشپزی، جارو و نظافت، مشق و تحقیق، شرکت در عروسی و جشن تولد و میهمانی شادی و عزای بستگان خود و خانم که کم هم نیستند ، شرکت کرد. یکی از دو پسرم هم که مریض است و تا حالا سه بار عمل کرده و پسر دومم استاد شیطنت و بازیگوشیه.

وضع غذامون هم که خودش یک تراژدی غم انگیزه؛ از بس غذای آماده و ساندویچ به جای وعده های غذایی خوردم که دیگه از کلمه ساندویچ هم بدم میاد.

گویا یک قرارداد نانوشته هم بین من و آشپزخانه ها و فروشگاه غذایی آماده امضاء شده و تقریباً اغلب صاحبان آنها در خیابانهای نزدیک خانه و دانشگاه من رو می شناسند، حتی گاهی سنگینی نگاه دلسوزانه و آمیخته با ترحمشان را با تمام وجود درک می کنم و از چشماشون می خونم که می گن تو دیگه کی هستی؟

رستوران محل کار همسرم هم براش دفتر حساب باز کرده ؛ من دیگه خوب فهمیدم وقت طلاست یعنی چه؛ از بی وقتی و مشغولیت ۲۴ ساعته بیشتر اوقات موقعی به پمپ بنزین می رم که خلوت خلوت باشه.

یک روز که سر کار رفته بودم از شدت عجله و کلافگی جورابهام رو لنگه به لنگه پوشیده بودم . یک روز هم یک آستین پیرهنم اطو نداشت . آخه گاه گاهی تحقیقات جورواجور درخواستی اساتید و سنگینی حجم تکالیف شبمون و کارهای کلاسی و تنوع و گستردگی آن چنان با سایر امور روزمره به هم پیوند می خوره که نگو و نپرس.

چند روز پیش اول صبح به جای اینکه بیام محل کار خودم ، سر از محل کار خانم در آوردم وقتی فهمیدم فی الفور دوباره سوار ماشین شدم و خودم را در شلوغی اول صبح با هزار بدبختی رسوندم اداره. به محض اینکه وارد اتاقم شدم ، تلفن زنگ زد و خانم با عصبانیت گفت: مگه قرار نبود ماشین رو بیاری اداره تا من ظهر زودتر برگردم ؛ تازه یادم اومد که اشتباه نرفته بودم . دوباره مرخصی گرفتم مثل برق و باد ماشین رو رسوندم به خانم. بعضی وقتها تو کلاس درس از فرط خستگی روزانه بفهمی نفهمی چرتی هم می زنم البته دوستان کم لطفی نمی ذارن شیرینی چرت ادامه داشته باشه.

نمی دونم این جماعت نسوان کلاس چرا این قدر بی عاطفه اند و برای ما کارمند دانشجوهای عیالوار و سراپا گرفتار، امتحان و تکلیف و درس و تحقیق های مختلف می تراشن، خدا کند زودتر به درد ما مبتلا بشن. تازگی شبها تو خواب هم از دست روزم راحت نیستم و صحنه های روز دوباره توی سینمای روحم به نمایش در می آید. خواب فارغ التحصیلی رو هم هر شب می بینم...

اما با همه این اوضاع و احوال و زق و زوق های بچه ها نق و نوق های مادر بچه ها و اعصاب خردی های اداره و خواستهای گوناگون فک و فامیل و جیب های خالی و شهریه های سنگین و خرج و مخارج زندگی و زلم زیمبوهای معیشتی، درس خواندن و احساس دانشجو بودن یک شیرینی و حلاوت آرام بخشی دارد و خدا کمک کرده تا حالا من کارمند یک لاقبای آس و پاس با هزاران چاله و چوله و دست انداز و بلندی و پستی از هیچ درسی نیفتم و همه درسها را با نمره های نسبتاً خوبی گذروندم که دلیلش هم عشق ورزیدن به درس و تحصیل و کتاب و علم است.

علی مجبی

اطلاعیه مهم — مؤسسه کاریابی "آفتابه و لگن"

مؤسسه کاریابی "آفتابه و لگن" صد دست شام و نهار هیچی، در راستای تحقق شعار کاریابی برای جوانان عاطل و باطل و جوانان خوش تیپ و بی هنر، اقدام به تاسیس یک واحد کاریابی نموده و افراد ذیل را با داشتن شرایط مندرج در فرم و یک ضامن معتبر (ترجیحاً گردن کلفت محله) و هیچگونه سابقه کاری دعوت به همکاری می نماید: ۱- راکب و سرنشین موتور سیکلت ترجیحاً ۱۸-۱۴ سال خوش تیپ.....۱۰۰ نفر

۲-راننده و سرنشین خودروهای مدل بالا ۱۴-۱۸ سال .....۸۰ نفر

۳-دانش آموز ترک تحصیلی .....۵۰ نفر

۴-پسر دردانه لوس و نتر و بی هنر .....۳۰ نفر

۵-مخل سلب آسایش مردم .....۵۰ نفر

علاقمندان و علافان می توانند همه روزه از ساعت ۱۱ صبح تا ۲ بعدازظهر به آدرس اینترنتی w.AftabehLagan.Com www رجوع نمایند.

نتیجه گیری: از این اطلاعیه نتیجه می گیریم، اولا: تعداد این مؤسسات بی در و پیکر و کارآمد در حال افزایش است و ثانیاً؛ آفتابه لگن صد دست شام و نهار هیچی و سوماً: اینکه نشد شغل برای بچه های این مملکت، یا الله بروید سروقت یک کار حسابی پر درآمد و آبرومند. ای جوانان بروید فکر نان بکنید که خربزه آب است.

کاریکاتور روز

کاظم گذری

سخنی با منتخبین شوراهای شهر و روستا

عزیزان محترم و محترمه شوراهای شهر و روستا، شما ها که در طی یک هفته تبلیغات و ۲ روز انتظار جهت شمارش آراء مأخوذه دل و جیگر و قلبتان و ... زیر و بالا شد و به حلقومتان آمد از این پس که به عنوان اعضای اصلی شوراها انتخاب شدید، وظایف سنگینی یا به قول ما روزنامه چی ها ، رسالت خطیری بر عهده دارید که نباید از این وظایف، خدای ناکرده شانه خالی کنید (البته شماها که این کار را نمی کنید، اینها همه کار دشمن است) ابتدا باید بگویم در شرف ورود به محل شورا ، ابتدا دستور بدهید تا تمام لوازم ، اجناس و وسایل اعضای قبلی کامل تخلیه شده و رنگ اتاق عوض و مبلمان ، پرده ها و ظروف پذیرایی از جنس اعلاء و درجه یک و لوکس باشد . هر چه نباشد شما در طی این مدت تصدی طولانی فقط با این لوازم که نام بردم سروکار دارید و لاغیر . بعد سراغ کارمندان سابق بروید و عذرشان را بخواهید تا هر رده ای که قدرت دارید را اخراج کنید ، بالاخره این حق شماست که فک و فامیل ، دوست و آشنا و افرادی که به شما رای دادند و قیافه زیبای شما را تحمل کردند ، خدمتی در حقشان انجام دهید !

بالاخره بعد از تغییر و تحولات کامل حالا هفته ای دو یا سه بار جلسه بگیرید و از دکوراسیونی که چیدید نهایت استفاده را ببرید و میوه و شیرینی درجه یک بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید !

ضمناً با ارباب رجوعانی که پشت درهای بسته شورا به انتظار نشسته اند کمی تا قسمتی بد خلقی کنید که به یکباره پررو و گستاخ نشوند و زیاده خواهی و باج خواهی بکنند .

حالا خانم ها و آقایان می توانند از امکانات خودرو، موبایل ، میوه و شیرینی و ... به سبک و سیاق اعضای سابق و اسبق از این خوان گسترده بهره ببرند و به فک و فامیل ها ، دوست و آشنا ، اهل و عیال ، مامانم اینا ، خاله اینا ، عمو اینا و عمه اینا هم بدهید تا همه با هم بخوریم و بیاشامیم اما اسراف نکنیم !!

نتیجه گیری اخلاقی:

اسراف واژه خیلی بدی است که عناصر بیگانه و دشمن آن را به فرهنگ لغت پارسی اصیل وارد کرده تا ما را بی آبرو بکنند و گرنه ما ایرانیان هرگز اهل اسراف و اسراف کاری نبوده و نیستیم.

سرویس خبری - سیاسی انتخاباتی

ننه مراد

اخبار ورزشی استان را اینجا بخوانید نه جای دیگر !!

خبر اول اینکه؛ رئیس هیات مشت و لگد، از کار برکنار یا اخراج شد . به گزارش خبرگزاری ننه مراد از محله یافت آباد ، آقای "لگد پران" که سالها در این منصب ، مشت و لگد خورده بود ، روز گذشته در اقدامی مردمی و نمادین، حکم اخراجش را از آقای رئیس از ما بهتران تحویل گرفت.

وی که از شدت ناراحتی در شرف تلف شدن بود به خبرگزاری ننه مراد گفت:من در تمامی زمینه ها خودم را فدا کردم تا مشت و لگد جوانان این مرز و بوم به خطا نرود و به دیوارهای سنگی و سیمانی نخورد و در اینحال جای مشت ها و زخم هایی که بر سر و صورتش به یادگار مانده بود را اشک ریزان نشان داد و بلافاصله از ادامه مصاحبه خودداری کرد و سوار بر رخش آخرین مدل شد و در رفت.

نتیجه گیری ورزشی: از این برکناری نتیجه می گیریم این رئیس هیئت ها افراد صبور، فداکار و ایثارگری هستند که هرگز کسی قدرشان را نمی داند و هیچکس هم دوستشان ندارد . شما نگران نباشید، یه فکری برایشان می کنیم.

خبر دوم اینکه؛ تیم های شوت و پاس شهرستانی انگشت همه را شکستند !!

به گزارش خبرگزاری ننه مراد ، هفته دهم مسابقات فوتبال لیگ بدتر با انجام ۴-۳-۲-۱ دیدار برگزار شد . در این دیدارها تیم شوت در نیمه اول بازی تیم «داش سیا» را از دور خارج کرد و پیش رفت تا توانست یکی از اعضای تیم «مامانم اینا» را مجروح کرده و همینطور جسورانه رفت و رفت تا توانست تیم «فوفونا اینا» را مغلوب کرده در نهایت به نبرد با اعضای تیم «چك و چوکهای محله ما» رفته و پس از دو ساعت جنگ تن به تن همگی با لباس های پاره و بدنهای زخمی به نیمکت های دور زمین تکیه داده و جالب است بدانید تیم شوت ، هنوز کوتاه نیامده و با شجاعت انگشت همه تماشاچیان را به یکباره شکستند!!

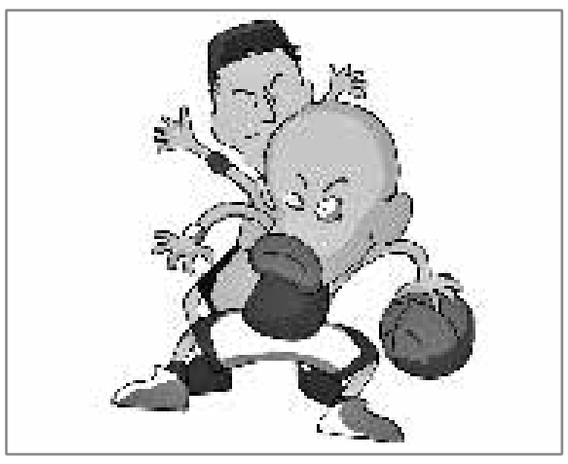

البته فکر بد نکنید . منظور این است که تماشاچیان از شجاعت اعضای «شوت» حیرت کرده و انگشت در دهان گذاشتند.

سوم اینکه؛ هرمزگان بزودی میزبان تیم های بین المللی بوکس و کشتی می شود .

به به ، چه می شود!! شهر ما سبزه بود به گل هم آراسته شد. همینجوری تعداد بوکسورهای کوچه و خیابانی زیاد بود که بزودی عده ای بوکسور خارجکی و غریبه به شهر ما وارد می شوند و آنوقت تمام کوچه پس کوچه های محلات دور و نزدیک محل نزاع و درگیری یا به عبارتی زورآزمایی خودی ها و غیرخودی ها خواهد شد.

به به دیدنی است، باید از خبرنگار برنامه ۲۰:۴۰ شبکه سیما دعوت کنیم به شهر ما بیاید و از صحنه های زد و خورد تصویر بگیرد.

به امید آن روز لحظه شماری می کنیم.

با تشکر خبرگزاری ننه مراد

خیاطی نسترن دوخت بندر

دوخت لباسهای مجلسی نامزدی، عقد، عروسی مانتو شلوار و لباسهای بچه گانه

آدرس : فلکه برق - جنب ایستگاه هدیش جنب آرایشگاه دختر بندری - خیاطی نسترن دوخت بندر

تلفن : ۲۲۳۱۳۳۶

مشاور املاک پارادایس

Paradise

صادقی ۶۶۸۲۷۶۶ - ۶۶۸۳۴۷۲

۰۹۱۷۷۶۳۵۳۲۵ مختاری

۰۹۱۷۷۶۱۴۵۰۰ صادقی

آدرس : بندرعباس گلشهر جنوبی ، ضلع شرقی ، نخل خیابان سعادت پلاک ۲

کلینیک درمان و بازتوانی اعتیاد شفا

مسئول فنی : دکتر امید اسلامی

سم زدایی (متادون ، کلونیدین و ...) درمانه نگه دارنده (متادون ، نالتروکسون) ، مشاوره فردی و خانواده ، روان درمانی ، تنفر ازموادمخدر

آدرس : چهارراه مرادی - به سمت میدان قدس - طبقه دوم پاساژ اشکان - تلفن : ۲۲۲۶۶۱۱

معاملات املاک درویش

با مدیریت درویش بیگی و نیک اندیش

مشاور در امور

- خرید
- فروش
- رهن
- اجاره
- سرقفلی

بندرعباس : گلشهر شمالی ، روبروی پارک جنگلی ، پشت مجتمع مسکونی سهند یک و دو، بازارچه جانبازان

تلفن : ۶۶۶۲۲۳۹-۶۶۶۲۹۱۲

فاکس : ۶۶۶۴۷۹۰

سالن آرایش و زیبایی سبزپوش

مژده مژده

تخفیف زمستانه با متد جدید

تجهیزات کامل عروس فقط ۲۰۰/۰۰۰ تومان

بندرعباس ، خ دانشگاه ، طبقه فوقانی املاک کاخ

تلفن : ۶۶۷۶۴۶۰

برادران ارجمند عبدالطیف آدیش و عبدالخالق مسقطی

انتخاب شایسته مردمی شما را به عنوان شورای شهر بندر جاسک تبریک عرض نموده ، توفیق خدمت به مردم را از خداوند منان برایتان آرزومندیم

حسن منصوری - بندر چارک

مشاور املاک میلاد گلشهر

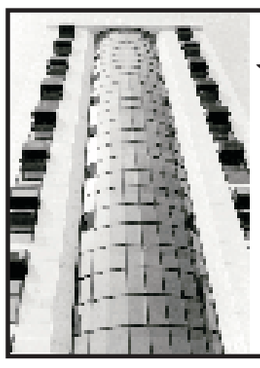

خرید - فروش - رهن - اجاره

تلفن: ۶۶۶۱۱۳۲

تلفاکس: ۶۶۶۴۰۴۳

رسالت شمالی - پشت ساختمان آب و فاضلاب - روبروی خوابگاه کوثر

مصالح ساختمانی هدایتی

- عامل توزیع سیمان هرمزگان
- ارائه انواع مصالح ساختمانی به صورت مستقیم از تمامی کارخانه جات
- تولید مصالح اعم از گچ ، پودر سنگ ، آجر و غیره
- آدرس : سربالایی کمربندی - روبه روی مسجد امام علی(ع)

تلفاکس : ۳۳۴۴۳۶۱

همراه : ۰۹۱۷۳۶۱۱۳۹۸-۰۹۱۷۳۶۱۱۲۳۲

خدمات شیشه ساختمانی مظاهری

نصب انواع شیشه های ساختمانی «سکوریت- رفلکس- رنگی- آینه»

تلفن : ۳۳۳۹۵۶۵ - همراه ۰۹۱۷۷۶۸۷۴۸۶

بندرعباس : بلوار امام خمینی- روبه روی امامزاده سید مظفر

مطب چشم پزشکی

دکتر اکبر قربانی دستجردی

مصرف بی رویه، قبوض بی پیرایه!!

در راستای سفارشات اکید و موکد شرکت برق و آب و مخابرات و نان و ... مبنی بر صرفه جویی و عدم مصرف بی رویه این مصنوعات ساخته بشر دو پا به سراغ بابابرقی، بابابرقی، بابا نانی رفته و نظر هر کدام را نسبت به مصرف شهروندان جویا شدیم: بابا برقی که از خاموشی های بی رویه مردم عصبانی بود، گفت: دیگر از دست این مردم نمک نشناس خسته شدم . هر روز ما قطعی و نوسان برق داریم هر چه به آنها می گوییم رعایت بکنید و کمتر مصرف نمایید ؛ کو گوش شنوا ؟ در راستای مصرف بی ویه شهروندان بنده هم بیکار شده ام چرا که دیگر برق نیست و من نمی توانم تیزرهای تلویزیونی ورادیویی و اینترنتی بدهم و با عصبانیت قهر کرد و رفت.

بابابرفی هم گفت: بنده در اکثر خشکسالی های اخیر و کمبود آب و تغییر رنگ و بو و طعم آب آشامیدنی دیگر حاضر نیستم مصاحبه بکنم و از همین جا اعلام می کنم همه تقصیرها زیر سر آمریکاست. چرا که رنگ آب را تغییر داده تا مردم را بدبین بکند و بعد هم با حالت قهر سالن را ترک کرد.

بابا نانی هم با تحکم و اعتراض گفت: نانوائیها آنقدر خوب پخت می کنند و کیفیت نان بسیار مرغوب و بالا ست که مردم تمام نانها را تا ذره آخر نوش جان می کنند و هرگز دور ریز ندارد که در نتیجه چیزی به نام اسراف و صرفه جویی در مصرف نان نداریم و این شایعات هم تشویش اذهان عمومی است.

نتیجه گیری اخلاقی: نتیجه می گیریم تمام نواقصات ، مشکلات و کمبودات زیر سر آمریکا و اسرائیل و ایادی آنهاست و مسئولان ما بسیار ساعی و توانمند هستند و قبوض زیبا و آراسته را مردم بیچاره و آسیب پذیر باید پرداخت نمایند و به دولت کمک مالی بکنند.

با تشکر: سرویس آب و برق و گازشناسی

--- آگهی تبلیغاتی ---

- مؤسسه مالی اعتباری ماست مالی
- ربع قرن سابقه کلاهبرداری
- با نیم قرن سابقه ماست مالی
- یک صدم قرن سابقه مردم آزاری

-از این پس با ارائه خدمات به در منازل شما آمده تا مشتری راضی باشد

-سرویس رایگان ایاب و ذهاب مشتریان جهت حمل پولها تا مؤسسه

-سود علی الحساب بیشتر از تمام مؤسسه های ماست بندی و کشک سابی

-خشنودی مشتری کار ماست کار را به افراد باسابقه بسپارید

سایت اینترنتی:

www.Mastmali Kon.DARRO

نتیجه گیری اقتصادی: این روزها بعلت بهتر شدن وضعیت اقتصادی شهروندان این مؤسسات همچو قارچ سر در آورده و جهت سود دهی و کسب مال و اموال در گوشه و کنار شهر بساط خود را پهن می کنند. هیچکس حق ندارد به بفش خصوصی بگوید بالای چشمت ابروست چرا که به آقام اینا، مامانم اینا ، داداش و آبجی اینا توهین می شود.

سرویس اقتصادی کشک سابی